

بسم الله الرحمن الرحيم



جمهوری اسلامی ایران

حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) شهرستان کبودرآهنگ

عنوان:

بهترین ما و بدترین ما در نهج البلاغه

استاد مربوطه:

سرکار خانم مولایی

محقق:

زهرا هاشملو

پایه ۹۴



تحمیدیه

﴿سپاس و ستایش خدای را که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل
شب تار، درخشان.﴾

آفریدگاری که خویش را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف
خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.﴾





تقدیر و شکر

﴿با دعای خیر برای پدر عزیزم و با آرزوی سلامتی برای مادر مهربانم که باعث شدند زنجیره افکارم را با

نام و نش حضرت علی (علیه السلام) پیوند بزنم﴾

﴿با شکر از استاد که تقدیرم سرکار خانم فرزانه مولایی، که انگیزه درونی ام را در نوشتن این تحقیق بیشتر ساختند﴾

﴿با تقدیر فراوان از دوست عزیزم سرکار خانم راضیه بابایی که آرامش وجودش همیشه مایه دلگرمی ام است﴾





تقدیم به

همسر عزیزم

که از نگاهش صلابت

از رفتارش محبت و

از صبرش ایستادگی را آموختم.



نفسانی و بهره‌گیری نادرست از آن است و اگر میل و انگیزه به درستی به کار رود، خود می‌تواند عامل بالندگی انسان در جنبه‌های ارزشمند زندگی باشد.

انسان بر اثر انگیزه شهرت طلبی در پی آن است که در میان دوستان و هم‌کلاسان خود موقعیت ممتازی به دست آورد و این فرد که در محل و شهر خود در پی کسب موقعیت اجتماعی است، به تدریج و با رشد این ویژگی ممکن است به جایی برسد که حتی در صدد ایجاد دین یا مذهب فاسد برآید. ثروت اندوزی تنها عامل ایجاد مذاهب و فرقه‌های انحرافی نبوده است، بلکه در مواردی، شهرت طلبی در کنار مال پرستی و حتی در مواردی شهرت طلبی به تنهایی موجب پیدایی انحرافات بزرگ شده است، و گروهی در پی کسب موقعیت و شهرت و با صرف ثروت خود مذاهب انحرافی پدید آورده‌اند و یا کسانی برای رسیدن به پست و مقام نظیر پست وزارت یا ریاست جمهوری از ارتکاب کارهای نادرست دریغ نورزیده‌اند. از این روی، باید خوی برتری طلبی و موقعیت پرستی را یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف و فساد دانست. خداوند در این باره می‌فرماید:

تِلْكَ الدَّارُ نَجَعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. این سرای واپسین را برای کسانی ساخته‌ایم که در زمین برتری و تباهی نخواهند، و سرانجام [نیک] از آن پرهیزگاران است.^۱ همچنین امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: گاه انسان از این به خود می‌بالد و غرق در سرور و شادمانی می‌شود که بند کفش او از دیگران بهتر است و با این کار مصداق آیه ی «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ» می‌شود.^۲

قرآن برتری طلبی را عامل انحراف و کفر فرعون و رسیدن او به مرحله‌ای از طغیان معرفی می‌کند که خود را پروردگار مردم خویش می‌دانست و به ستم پیشگی در حق آنان می‌پرداخت:

^۱ قصص (۲۸) - ۸۳

^۲ ابن جمعه، حویزی، نورالثقلین، انتشارات مؤسسه ی التاريخ العربی، جلد ۵، ص ۳۵۰

«همانا فرعون در سرزمین [مصر] برتری جست و مردمش را گروه گروه ساخت . گروهی از آنان (بنی اسرائیل را زبون و ناتوان می ساخت ؛ پسرانشان را سر می برید و زنانشان را [برای خدمت] زنده می گذاشت . همانا او از تباهکاران بود .

برخی از افراد منحرف که با سوء استفاده از احساسات مردم عادی در پی رسیدن شهرت و موقعیت اند ، وقتی در می یابند که اندیشه ها و ادعای واهی آنان خریدار دارد ، ادعای جدیدی را مطرح می کنند و هرچه می گذرد با افکار انحرافی خود افراد بیشتری را جذب خود می سازند تا از این طریق به نام و نان برسند .

ابتدا ادعا می کنند امام زمان (عجل الله تعالی و فرجه الشریف) را در خواب دیده اند . روز دیگر ادعا می کنند که حضرت را در بیداری ملاقات کرده اند . سپس اگر مردم این سخنان را باور کردند ، ادعا می کند که نایب آن حضرت اند و وقتی دیدند مردم شیفته و فریفته شده اند و این ادعاها را باور کرده اند ، ادعا می کنند که خود ، امام زمان اند .

ما باید مراقب نفس خود باشیم و نگذاریم بذر فساد و گناه در دلمان افتد و اگر تخم تلخ گناه ، خود خواهی و هواپرستی در دلمان رشد کرد تا ریشه دار و تنومند نشده آن را از دلمان بر کنیم که در این صورت زندگی مان همراه با سلامت و سعادت خواهد بود . اما اگر چنین نکردیم و رفته رفته نفسانیات و هوس های شیطانی در ما تقویت شد و گسترش یافت ، چه بسا به جایی برسیم که راه بازگشتی فراروی خود نیابیم .

بدترین ها در نهج البلاغه

✽ بدترین خلق نزد خالق

بدترین مردم در نظر خدا دو دسته اند: فردی که خدا او را به خودش واگذار کرده، چنین فردی از راه راست منحرف می گردد، به بدعت و مطالب انحرافی علاقه مند و آلوده می شود. چنین فردی به وسیله

آشوبگری گمراه گردیده، موجب انحراف کسانی است که در زمان زندگی و مرگ او از وی پیروی کنند، اشتباهات دیگران را به دوش می گیرد و گرو گناهان خویش است. و مردی که مجهولاتی به هم بافته و در میان انسان‌های نادان امت جایگاهی پیدا کرده است، در تاریکی‌های فتنه فرو رفته و از مشاهده صلح و صفا کور است؛ آدم نماها او را عالم نامیدند در حالی که عالم نیست.^۱

*مبغوض ترین بندگان نزد خدا

همانا از مبغوض ترین مردان در نزد خدا، آن بنده ای است که خدا او را به خود او وا گذاشته است، این بنده (رها شده به حال خود) از راه حق متجاوز و بدون رهبری که دلیل راه است در حرکت است. اگر این بنده (رها شده به حال خود) به کشت و کار دنیوی خوانده شود به کار می افتد و اگر به کشت و کار اخروی خوانده شود کسل و افسرده می گردد، گویی آنچه به آن عمل می کند برایش واجب ولی آنچه در قبالش سستی می ورزد از او ساقط شده است.^۲

* قاضی نااهل

بدترین مردم در نظر خدا دو دسته اند: ... و مردی که در میان مردم به قضاوت و حل مشکلات که ضامن آن گردیده می نشیند، اگر مطلب مبهمی پیش آمد، رأی ضعیف و نظر بی ارزشی می دهد و از روی قطع هم نظر خود را صادر می کند، چنین فردی در مسائل مبهم، مثل تنیدن عنکبوت است، نمی داند عملش صحیح است یا غلط.^۳

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱۷

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۱۷

نتیجه گیری

نهج البلاغه بی تردید پس از قرآن کریم گرانقدر ترین و ارزشمند ترین میراث فرهنگی اسلامی است. این کتاب مجموعه ای است به ابعاد وجودی یک انسان کامل، زیرا نازلات و صادرات وجودی است که والاترین وجود پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. این کتاب منشور انسان سازی و دریچه ای به نور، و راهی از ملک تا ملکوت است.

نهج البلاغه، صحیفه ساختن فرد و جامعه و آموزگار کفر ستیزی و فقر ستیزی است و نه تنها راه روشن بلاغت که راه روشن هدایت است. دریای معرفت بی انتها و نور هدایت بی خاموش است و دستورالعمل برای سعادت این جهانی و سعادت آن جهانی است.

در این تحقیق بر آن شدیم پاره ای از معارف ناب و انسان ساز نهج البلاغه را برای جویندگان حقیقت ارائه دهیم و نظر امام علی (علیه السلام) را در مورد برترین و بدترین انسانها بدانیم و در پرتو راهنمایی های آن امام همام سعی کنیم به انسان محبوب نزد خدا تبدیل شویم و از کسانی نباشیم که نزد خدا مغبوض ترین هستند و سعی کنیم با کلام راهگشای آن حضرت، سعادت ابدی خود را رقم بزنیم.

منابع مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. حرعاملی ، محمبن حسن ، وسائل الشيعه، انتشارات مؤسسه ی آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۰ق
۴. حویزی ،ابن جمعه،نورالثقلین، انتشارات مؤسسه ی التاريخ العربی، بیروت، ۱۴۲۲
۵. طباطبایی ، سید محمد حسین ، المیزان، ترجمه ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۶۳
۶. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۵ق
۸. مصباح یزدی، محمد تقی، در پرتو آذرخش، انتشارات مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ، قم، ۱۳۸۱۹
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن در آئینه نهج البلاغه، انتشارات مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ، قم، ۱۳۷۹۹